

## بررسی دلالت آیه 38 سوره انعام بر بطن قرآن

### چکیده محتوایی

بیان مدعا (حجت الاسلام دکتر شفیعی دارابی): مقصود از «بطن قرآن» در این تحقیق، عبارت است از: «مجموعه معانی و مصادیق (موارد) پنهان آیات؛ که بخشی از آنها «عرفی» (قابل فهم برای عموم) و بخش دیگر آن «فراعرفی» و دور از دسترس عموم مردم است و کسی جز راسخان علم (پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام) توان فهم تمام آنها را ندارد. مفهوم اصطلاحی «ظاهر»، (که همچون مفهوم لغوی آن، در نقطه مقابل مفهوم اصطلاحی «باطن» قرار دارد)؛ عبارت است از: «آن سلسله از معانی و مصادیقی که دلالت و انطباق آیات بر آنها آشکار می باشد، و فهم آنها بر مبنای قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره، برای همگان میسر خواهد بود». اگرچه نمی توان در قرآن آیه ای را یافت که مستقیماً و با صراحت، از وجود باطن برای قرآن خبر دهد؛ ولی از بعضی از آیات به ضمیمه برخی مقدمات، به خوبی استفاده می شود که معانی و معارف قرآن منحصر به احکام و معارفی که از ظاهر آیات کریمه فهمیده می شود، نیست؛ در نتیجه باید گفت: اثبات بطن قرآن از طریق آیات شریفه، امری ممکن (بلکه قطعی)، می باشد. از جمله آیات سود مند و قابل استناد در حوزه اثبات بطن قرآن، فراز کوتاه و گویای «ما قرطنا فی الکتاب من شیء» از آیه کریمه 38 انعام می باشد؛ البته، درست بودن استناد به این فراز نورانی در این راستا، متفرع بر امور سه گانه مذکور در ضمن بحث «تبیین مدلول آیه و تشریح کیفیت استدلال به آن» می باشد. تنها با قبول وجود لایه دیگری به نام «بطن» در ورای لایه ظاهری آیات، می توان گفت: همه چیز (حتی امور غیردینی و غیر هدایتی هم) در این کتاب الهی آمده، و خداوند از بیان هیچ چیزی در قرآن، نه غفلت نورزید و نه کوتاهی کرد؛ در غیر این صورت، هم مفاد عام جمله «ما قرطنا فی الکتاب من شیء» دچار آسیب می شود، و هم صدق این کلام الهی مواجه با مشکل می گردد. دلالت فراز مذکور بر وجود لایه باطنی قرآن، از نوع دلالت مستقیم مطابقی و یا دلالت غیر مستقیم التزامی (لوازم بین به معنی اخص)، خواهد بود؛ بلکه از نوع دلالت غیر مستقیم «اشاره ای» (لوازم بین به معنی اعم و لوازم غیر بین) می باشد.

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر طباطبایی): دو دیدگاه وجود دارد: بعضی از بزرگواران می گن که نه هر لفظی که در قرآن هست بالاخره حکمتی دارد، این که بگیم زانده هست زانده بودن چون مثلاً یک عیب حساب می شه، انکار می کنند این بحث را و می گن که حتماً این ها معانی و حکمت هایی دارد. اما در دیدگاه مقابل وجود من زانده رو می پذیرند و از این باب توجیه می کنند که وجود من زانده خودش یکی از محسنات ادبیات عرب هست و قرآن به عنوان اعجاز ادبی خیلی راحت می تونه از این من زانده و محذوراتی دیگه ای که در عرف ممکن است محذور باشند اما در ادبیات به عنوان زیبایی و محسنات تعبیر حساب می شود قرآن استفاده بکند. بحث جامعیت و جاودانگی قرآن و مرجعیت علمی قرآن است که منوط به مقوله بطن قرآن است که جا دارد روی این قضیه کار شود. در بحث طرح و طرح نامه، بحث اشتراکات و افتراقات را فکر می کنم باید یک بازنگری بفرمایید. فرمودید این آیه اولین راه و مطمئن ترین دلیل هست برای دلالت بر بطن قرآن، قطعاً اولین راه مطمئن ترین دلیل که می توان در این عرصه رامگشا و گرمگشا باشد چیزی جز راه و دلیل قرآنی نخواهد بود، لزوماً همیشه آیات قرآن اولین و مطمئن ترین نیستند بلکه از جهتی که قرآن قطعی و صدور هست آدمی اطمینان قلبی پیدا می کند اما بحث های دلالت ها مهم است. جاهایی هست اولین و مطمئن ترین راه و شاید تنها ترین راه بیانات پیغمبر اکرم و بیانات اهل بیت باشد. این که این آیه می تونه مطمئن ترین راه باشه و اولین راه باشد در این محل بحث ما قابل قبول نیست.

ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر رضایی): مسئله بطن در آن تردیدی نیست، اصل قضیه بطن مسلم هست و قابل قبول، و موضوع این مقاله و این کرسی اثبات بطن قرآن نیست بلکه اثبات دلالت این آیه شریفه بر بطن هست. به نظر می رسد کمترین و اصلی ترین دلیل بطن داشتن قرآن همان روایات هست، روایاتی که ثابت می کند قرآن بطن دارد. این طرح و مقاله یک پیش فرضی دارد که سایه انداخته روی بحث و آن پیش فرض عبارت است از جامعیت حداکثری قرآن، که در آن بحث جامعیت قرآن اقوالی وجود دارد که تعبیر می شود به جامعیت حداکثری یا حداقی، جامعیت نسبی و اصطلاحاتی که بعضاً بکار می رود. مطلب اصلی این است که اثبات بطن داشتن قرآن از آیه 38 سوره انعام به نظر می رسد نیاز به بحث هایی دارد تا این نتیجه حاصل شود. قرآن کتابی جامع است و هر کتاب جامعی بطن دارد پس نتیجه این است که قرآن بطن دارد. قرآن کتابی جامع است قابل قبول اما اینکه هر کتاب جامعی لزوماً نیازمند بطن است این به چه دلیلی؟ به نظر می رسد در این مقاله باید بیشتر روی این قسمت دوم بیشتر سرمایه گذاری می کرد که جامعیت قرآن لزوماً مستلزم بطن داشتن قرآن است. اگر ما احاله به بطن بدهیم، کل شی که شما معنا می کنید، کل شی که امور غیر هدایتی و غیر دینی را هم شامل می شود، امور غیر هدایتی مثلاً در علوم و سایر مفاهیم غیردینی و غیر هدایتی، حجم مطالب غیر دینی طبیعتاً بیشتر مطالب دینی هست، از طرفی قرآن کریم این جامعیت و اشتمال بر همه چیز را مکرر تاکید می کند و منت می داره بر ما یعنی امتنان الهی اینه که ما به شما همه چیز را گفتیم تبیان و تفصیل همه چیزی، در همه چیز خدای متعال بر ما منت میگذارد.

مدیر کرسی (حجت الاسلام سازندگی): ایشان با طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین و جمع بندی نهایی، به حسن ختام این کرسی پرداختند.